

با ما در ارتباط باشید

رایانامه [info@shahrara.com](mailto:info@shahrara.com)  
پیامک ۳۰۰۰۷۲۸۹  
پیام رسان ۰۹۱۵۴۲۹۴۵۸۰  
تلفن ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵

گرانی

کازم محمودزاده| با گران کردن تعرفه مصرف آب و برق و گاز فقط فساد را رونق می‌دهید نه عدالت را. این تجربه را در گرانی کالاها توسط تولید کنندگان دیده‌ام.

۰۸۲...۰۹۳۷| نوع جدید گرانی نان، بدون اطلاعیهٔ اتحادیه. نان سنگک از ۱۴۰۰ تومان رسید به ۱۵۰۰ تومان و هیچ کس هم جوابگو نیست.

علوم پزشکی

شهروند| متأسفانه رانندگان شرکت واحد همچنان پنجره‌های اتوبوس را می‌بندند و کولر را روشن می‌کنند. این کار بسیار خطرناک، ویروس کرونا را انتقال می‌دهد. لطفاً وزارت بهداشت هر چه سریع‌تر به شرکت واحد تذکر دهد.

۰۶۰۵...۰۹۱۵| در روستای کشف، یک کلپ بازی هست که صاحب آن، کرکره را نصفه پایین کشیده و هر چند پشت در، برگه «ماسک الزامی» را چسبانده است، یک نفر هم ماسک ندارد و بچه‌ها چفت‌درچفت هم نشست‌اند؛ جایی بدون نور و هواکش.

اتحادیه آژانس‌های تلفنی

۰۶۰۵...۰۹۱۵| من راننده آژانس بانوان و ۱۵ نفر دیگر از همکارانم، چرا باید تاوان خریدوفروش آژانس را بدهیم؟ چون مدیر قبلی، آژانس را به فرد دیگری واگذار کرده است، دیگر برای ما هزینه بنزین واریز نمی‌شود تا مدیر جدید دوباره مدارک ما را بگیرد و ببرد اتحادیه. یعنی دوباره همان کاغذبازی همیشگی. خب، راننده‌ها که همان راننده‌ها هستند و تغییری نکرده‌اند. چرا به فکر مردم نیستید و مشکلاتشان را اضافه‌تر می‌کنید؟

استانداری

۰۸۰۵...۰۹۳۵| ما کارگران سابق سامانه دوچرخه عمومی مشهد از ۹ ماه پیش که ایستگاه‌ها تعطیل شده است، بیمه بیکاری نگرفته و تعیین تکلیف نشده‌ایم و بیکاریم. از استاندار و شهردار محترم، خواهشمندیم به‌خاطر حفظ پایداری زندگی کارگران و نیز مسئولیت اجتماعی که به‌وجود آمده است، به وضعیت ما رسیدگی کنند.

سهام عدالت

۰۹۳۷...۰۹۱۷| الان ۷۰٪ روستا که سهام عدالت خود را فروخته‌ام و هنوز یک هزار تومانی دریافت نکرده‌ام. نزدیک ۹ روزی است که ۳۰ درصد دومر را هم فروخته‌ام. هیچی معلوم نیست.

متفرقه

شهروند| مسئولان شهر مشهد با طرح‌ها و پروژه‌های جدید در مناطق بالای شهر، روزه‌رو به افزایش ارزش مسکن در این مناطق کمک می‌کنند اما هیچ کاری برای حاشیه و پایین شهر نمی‌کنند. برای همین طبقاتی افزایش می‌یابد؛ مثلاً جاده سیمان که آبادانی کل مشهد از آنجا شکل می‌گیرد، همیشه دور از توجه مسئولان قرار گرفته است. خیلی از محله‌های قدیمی شهر، همچنان از امکانات محروم هستند.

کوزه‌گران| بهتر است در ایام عزای اهل بیت علیهم‌السلام، ساختمان‌های بلندمرتبه، نورپردازی خود را خاموش کنند.

## افزایش قبوض برق تابستان مربوط به پرمصرف‌هاست

شهروند| قبض برق برای ما بیش از ۱۰۰ هزار تومان آمده است، در صورتی که ماه قبل ۶۰ تومان بود. در مصرف هم تفاوت چندانی در این ماه‌ها نبوده، پس چرا این ماه مبلغ قبض دو برابر شده است؟

۰۸۲۰...۰۹۱۵| این ماه قبضی برقمان ۱۵۶ هزار تومان آمده، چرا این‌قدر گران شده است؟

۰۳۳۲...۰۹۳۰| چرا قبض برق چندبرابر شده است؟ دوره قبل ۳۷ هزار تومان آمده بود، الان ۱۲۷ هزار تومان آمده است. تو را به قرآن کمی به فکر مردم باشیدا!

علیرضا قاشی، سخن‌گوی شرکت توزیع نیروی برق مشهد| در پاسخ به پیامک شهروندان گرامی به استحضار می‌رساند که بنا به دستور العمل وزارت نیرو و به‌منظور حمایت از مشترکان کم‌مصرف، ۱۶ درصد به قبض مشترکان پرمصرف در تابستان اضافه شده است. الگوی مصرف برای تابستان، مصرف ۳۰۰ کیلووات در ماه است و مشترکان پرمصرف، کسانی هستند که بیش از این میزان در ماه استفاده کنند. در حال حاضر فقط ۵۰ درصد از یک‌میلیون ۶۰۰ مشترک برق در مشهد، جزو پرمصرف‌ها هستند و جریمه ۱۶ درصدی برای آن‌ها فقط در تابستان اعمال شده است. البته باید به اطلاع شهروندان عزیز برسانم که براساس اعلام وزارت نیرو، از ابتدای امسال ۷ درصد به نرخ انرژی مصرفی در قبوض برق همه مشترکان اضافه شده است و لحاظ کردن نرخ عوارض و مالیات در قبوض براساس قوانینی انجام گرفته است که به شرکت‌های توزیع نیروی برق سراسر کشور اعلام شده است و جنبه قانونی دارد. به‌دلیل پاره‌ای محدودیت‌ها در ارسال پیامک‌های قبوض برق، اعلام برخی مطالب در این پیامک‌ها حذف شده است اما جزئیات میزان مصرف و اطلاعات مربوط به کنترل برق، سوابق انشعابات، تاریخ مصرف و نحوه محاسبه میزان پرداخت در آدرس اینترنتی که در انتهای پیامک درج شده، به‌صورت یک قبض کامل، مشاهده‌شدنی است. اگر شهروندان گرامی طبق الگوی یعنی زیر ۳۰۰ کیلووات در ماه مصرف کرده باشند، به‌طور حتم قبضشان افزایش جز همان ۷ درصد مصوب ابتدای سال نداشته است. ضمن اینکه میزان مصرف مشترکان صنعتی، تجاری و اداری، محاسبات ویژه خود را دارد و اعمال جریمه ۱۶ درصدی برای پرمصرف‌ها فقط مربوط به مشترکان خانگی است.

## پذیرش اشتراک روزنامه شهرآرا عدد ۱۰۵ را به شماره ۳۰۰۰۷۲۸۹ ارسال فرمایید

## شهرآرا

روزنامه شهرآرامیدوزشگیز

شنبه۱۵ شهریور ۱۳۹۹۱۴ شهریور ۱۳۹۹۱۴ شهریور ۱۳۹۹

۰۴

## خانه

گزارش زهر



«هنوز نیومدن آبجی! رفتن میدون بار.» سراغ شاهین را از یکی از کارگرانش می‌گیریم. شلیل‌ها را با حوصله روی هم می‌چیند و به مشتری‌ها ۵۸۰۰ تومان قیمت می‌دهد. چند قدم آن طرف‌تر، یکی دیگر از کارگران این شش دربند مغازه میوه‌فروشی، برای مشتری، بادمجان سوا می‌کند. یکی هم پای ترازو ایستاده است و بردستش، نوجوانی است که کارت می‌کشد. کیسه‌های سیب‌زمینی، جعبه‌های آلو، تورهای پیاز، هندوانه‌ها و خربزه‌ها، به‌نظم کنار هم چیده شده‌اند. نیم‌ساعتی از قرارمان گذشته است و هنوز، خبری از آمدنش نیست. تکاپوی کارگرها برای پر کردن جای میوه‌هایی که فروش رفته است و وسواس مشتری‌ها در انتخاب جنس، نمی‌گذارد گذر زمان را

فرزانه شهامت  
f.shahamat@shahraranews.ir

«هنوز نیومدن آبجی! رفتن میدون بار.» سراغ شاهین را از یکی از کارگرانش می‌گیریم. شلیل‌ها را با حوصله روی هم می‌چیند و به مشتری‌ها ۵۸۰۰ تومان قیمت می‌دهد. چند قدم آن طرف‌تر، یکی دیگر از کارگران این شش دربند مغازه میوه‌فروشی، برای مشتری، بادمجان سوا می‌کند. یکی هم پای ترازو ایستاده است و بردستش، نوجوانی است که کارت می‌کشد. کیسه‌های سیب‌زمینی، جعبه‌های آلو، تورهای پیاز، هندوانه‌ها و خربزه‌ها، به‌نظم کنار هم چیده شده‌اند. نیم‌ساعتی از قرارمان گذشته است و هنوز، خبری از آمدنش نیست. تکاپوی کارگرها برای پر کردن جای میوه‌هایی که فروش رفته است و وسواس مشتری‌ها در انتخاب جنس، نمی‌گذارد گذر زمان را

چندانی حس کنیم، با شاهین تماس می‌گیریم و «توی راهم» را با چاشنی عذرخواهی بابت تأخیر، تحویل می‌گیریم. هنوز ندیدیمش. صدای مردانه و خش‌داری که چندباری از پشت تلفن شنیده‌ایم، باید از آن کامل‌مدی حدودا چهل‌ساله باشد که حواسش جمع است و سوالات را زود و کوتاه جواب می‌دهد. همین‌قدر می‌دانیم که به چند بزهارک توبه کرده، فرصت کار داده است. آن‌ها باید لایه‌لای همین کارگرها باشند.

کدام‌یک هستند؟ نمی‌شود تشخیص داد. رفتار همگی آرام و عادی است. «آقا شاهین اومدن.» به‌سمتی که شاگرد مغازه اشاره می‌کند، نگاه می‌کنیم و مرد میان‌سالی نمی‌بینیم. «او‌ناهاش، همونی که شلوار پلنگی پوشیده.» تعجب پنهان نیست؛ یعنی این جوان، چند دربند مغازه و این همه کارگر را مدیریت می‌کند؟ این تعجب بیشتر می‌شود وقتی اذعان می‌کند که خودش هم سابقه‌دار است؛ از آن‌هایی که عریده‌ها و بزنبه‌درازهایشان، زمین و زمان را عاصی کرده بود. نوچه چندگنده‌لات مشهد که قمه و قمار و...

پای ثابت بساطشان بوده. «بفرمایین!» به طبقه بالای میوه‌فروشی راهنمایی می‌شویم؛ اتاقکی مبله و مرتب. در آشپزخانه کناری، کارگری درازبه‌دراز خوابیده است که اعتیاد از سروروش می‌بارد. دیسی از هندوانه را یکی از شاگردها پیش‌رویمان می‌گذارد؛ بشقاب برنج خوری کریستال برای ما و یک ظرف فلزی برای میزبان.

«بفرمایین!» به طبقه بالای میوه‌فروشی راهنمایی می‌شویم؛ اتاقکی مبله و مرتب. در آشپزخانه کناری، کارگری درازبه‌دراز خوابیده است که اعتیاد از سروروش می‌بارد. دیسی از هندوانه را یکی از شاگردها پیش‌رویمان می‌گذارد؛ بشقاب برنج خوری کریستال برای ما و یک ظرف فلزی برای میزبان.

دوم راهنمایی. همه‌مون تحصیلاتمون کمه. غیر آبجیم که دانشگاه رو نصفه ول کرد. چرا دنبال خلاف رفتید؟ چون دوست و رفیقام این‌کاره بودن. توی خونه بهم توجه می‌کردن اما خب، بازم دنبال خودنمایی بودم. هر کسی با یه چیزی حال می‌کنه. از سو سابقه‌ها تون بگید.

# قصه حشمت فردوس ادامه دارد

گفت‌وگو با یک بزهارک توبه‌کرده که شرط استخدام در مغازه میوه‌فروشی‌اش

داشتن اعتیاد و سوءپیشینه است

گوشی شاهین از وقتی رسیده است، دوباری با حرف‌هایی از قیمت میوه زنگ می‌خورد: «داداش! زنگ زن جون خودت. زشته، مهمون دارم. جعبه‌های হলوی یک رج ۱۲ تومن، دو رج هشت‌ونیم.» تلفنش را قطع می‌کند و صاف می‌نشیند روبه‌رویمان که یعنی برای صحبت آماده است. خود و دوستانش را «اخراجی‌ها» می‌خواند و آن‌قدر خوش‌محضر است که ۹۰ دقیقه گفت‌وگوی بی‌وقفه ما به چشم‌برهم‌زدنی می‌گذرد.

خوبید؟ خسته‌ام. صبح پا می‌شم و تا یک و ۲ شب کار می‌کنم. اگه الان سرمو بذارم، از خستگی تا دو روز می‌خوابم. سن؟ ۲۸. چقدر کم؟ برای همه عجیبه. زود رفتم دنبال خلاف.

از خانواده‌تون بگید. ۶ تا بچه بودیم؛ سه پسر، سه دختر.

من بچه اولم. قدیم‌ها خانه‌مان ته محمدآباد بود. بعد رفتیم مهرآباد. الان هم که نزدیک محل کارم خونه گرفتیم، بابام کاسب بود. اوایل دست‌فروشی می‌کرد. بعد تولیدی گل‌سر زد. بعد هم یک مغازه توی ترمینال گرفت. الان از کار افتاده.

مادر؟ خانه‌دار بود. آرایشگری هم می‌کرد. هنوزم این‌کار رو می‌کنه. همیشه کمک‌حال بابام بود. گل‌سر درست می‌کرد، عروسک می‌دوخت. از نظر مالی، نسبت‌به عرف جامعه پایین‌تر بودیم.

یعنی اوضاع خانه، خیلی هم خوب نبود؟ خوب نبود. آبجیم طلاق گرفته بود. داداشم معتاد بود. مادر و بابام از نظر تربیتی یک‌کم ضعیف کار کردن. اون‌جور که باید، به ما اهمیت نمی‌دادن. من همش توی کوچه ول بودم. وقتی رسیدم به شروشور نو جوانی، اوضاع خراب‌تر شد. این پنج‌شیش سال آخر، دیگه آخر نشتی و نحسی بودم.

تا کلاس چندم خوندید؟ دوم راهنمایی. همه‌مون تحصیلاتمون کمه. غیر آبجیم که دانشگاه رو نصفه ول کرد. چرا دنبال خلاف رفتید؟ چون دوست و رفیقام این‌کاره بودن. توی خونه بهم توجه می‌کردن اما خب، بازم دنبال خودنمایی بودم. هر کسی با یه چیزی حال می‌کنه. از سو سابقه‌ها تون بگید.

دوم راهنمایی. همه‌مون تحصیلاتمون کمه. غیر آبجیم که دانشگاه رو نصفه ول کرد. چرا دنبال خلاف رفتید؟ چون دوست و رفیقام این‌کاره بودن. توی خونه بهم توجه می‌کردن اما خب، بازم دنبال خودنمایی بودم. هر کسی با یه چیزی حال می‌کنه. از سو سابقه‌ها تون بگید.

دوم راهنمایی. همه‌مون تحصیلاتمون کمه. غیر آبجیم که دانشگاه رو نصفه ول کرد. چرا دنبال خلاف رفتید؟ چون دوست و رفیقام این‌کاره بودن. توی خونه بهم توجه می‌کردن اما خب، بازم دنبال خودنمایی بودم. هر کسی با یه چیزی حال می‌کنه. از سو سابقه‌ها تون بگید.

دوم راهنمایی. همه‌مون تحصیلاتمون کمه. غیر آبجیم که دانشگاه رو نصفه ول کرد. چرا دنبال خلاف رفتید؟ چون دوست و رفیقام این‌کاره بودن. توی خونه بهم توجه می‌کردن اما خب، بازم دنبال خودنمایی بودم. هر کسی با یه چیزی حال می‌کنه. از سو سابقه‌ها تون بگید.

دوم راهنمایی. همه‌مون تحصیلاتمون کمه. غیر آبجیم که دانشگاه رو نصفه ول کرد. چرا دنبال خلاف رفتید؟ چون دوست و رفیقام این‌کاره بودن. توی خونه بهم توجه می‌کردن اما خب، بازم دنبال خودنمایی بودم. هر کسی با یه چیزی حال می‌کنه. از سو سابقه‌ها تون بگید.

دوم راهنمایی. همه‌مون تحصیلاتمون کمه. غیر آبجیم که دانشگاه رو نصفه ول کرد. چرا دنبال خلاف رفتید؟ چون دوست و رفیقام این‌کاره بودن. توی خونه بهم توجه می‌کردن اما خب، بازم دنبال خودنمایی بودم. هر کسی با یه چیزی حال می‌کنه. از سو سابقه‌ها تون بگید.

دوم راهنمایی. همه‌مون تحصیلاتمون کمه. غیر آبجیم که دانشگاه رو نصفه ول کرد. چرا دنبال خلاف رفتید؟ چون دوست و رفیقام این‌کاره بودن. توی خونه بهم توجه می‌کردن اما خب، بازم دنبال خودنمایی بودم. هر کسی با یه چیزی حال می‌کنه. از سو سابقه‌ها تون بگید.

دوم راهنمایی. همه‌مون تحصیلاتمون کمه. غیر آبجیم که دانشگاه رو نصفه ول کرد. چرا دنبال خلاف رفتید؟ چون دوست و رفیقام این‌کاره بودن. توی خونه بهم توجه می‌کردن اما خب، بازم دنبال خودنمایی بودم. هر کسی با یه چیزی حال می‌کنه. از سو سابقه‌ها تون بگید.

دوم راهنمایی. همه‌مون تحصیلاتمون کمه. غیر آبجیم که دانشگاه رو نصفه ول کرد. چرا دنبال خلاف رفتید؟ چون دوست و رفیقام این‌کاره بودن. توی خونه بهم توجه می‌کردن اما خب، بازم دنبال خودنمایی بودم. هر کسی با یه چیزی حال می‌کنه. از سو سابقه‌ها تون بگید.



توی مغازه می‌خوابیدم. اوستام که صاب مغازه بود، خودش از بزنبه‌داری قدیم بود. به قول ما ۳۰۱۲ سال مکافات کشیده بود و بعدش توبه کرده بود. خیلی نصیحتم می‌کرد. می‌گفت دنبال ناموس مردم نباش، مشروب و دعواری بی‌خیال، روی سر خانواده‌ت واپستا. گفت ته کارت اینه که پا تو کسی رو می‌گشی یا کسی تو رو می‌کشه. اسم برد از گنده‌لات‌هایی که الان سینه بهشت‌رضا خوابیدن. گفت بیای قاتی این سیب‌زمینی‌پیاز، شرف داره. اون‌قدر تو گویشم خوند و خوند که توی کلام فرو رفت. ترس از عاقبت کارم، از تنهایی‌م، افتاده بود به جونم. بات وضع زن و بچه‌هام عذاب وجدان داشتم. زنم باید یک بچه رو شیر می‌داد

و اون یکی رو روی پا می‌خوابوند. به خودم می‌گفتم این‌کاری که داری باهاش می‌کنی، نامردیه. بالاخره تصمیمم رو گرفتم. رفتیم مسجد توبه کردم. عهد بستم که آدم بشم. بعدش مثل بچه‌ها شدم؛ پاک، سبک و دل‌رحم. از اون موقع، زندگی‌م عطر و بوی دیگه‌ای گرفته.

و بعد؟ توبه که کردم و پول نزول هم از بساطم رفت، خدا گفت بگیر که اومد. بهم رو کرده، همچی که نمی‌دونم چجوری جمع کنم. منی که حیرون یک پاکت سیگار بودم، حالا یک ماشینم شده ست. تا یک موتور رو سه‌پشته سوار می‌شیم. می‌خوای بگیر، نمی‌خوای، می‌کشیم. ما به‌رحال بازنده‌ایم. حسرت این همه ثروت به دلت می‌مونه. خانواده‌ت هم بی‌سروصاحب می‌شن. راضی شد.

ادامه دادید تا اینکه... تا اینکه رسیدیم به برج ۹ پارسال. اون موقع، شاگرد اولین مغازه از این شیش تا مغازه الانم بودم. شب‌ها از بی‌کسی

توبه که کردم و پول نزول هم از بساطم رفت، خدا گفت بگیر که اومد. بهم رو کرده، همچی که نمی‌دونم چجوری جمع کنم. منی که حیرون یک پاکت سیگار بودم، حالا یک ماشینم شده ست. تا یک موتور رو سه‌پشته سوار می‌شیم. می‌خوای بگیر، نمی‌خوای، می‌کشیم. ما به‌رحال بازنده‌ایم. حسرت این همه ثروت به دلت می‌مونه. خانواده‌ت هم بی‌سروصاحب می‌شن. راضی شد.

توبه که کردم و پول نزول هم از بساطم رفت، خدا گفت بگیر که اومد. بهم رو کرده، همچی که نمی‌دونم چجوری جمع کنم. منی که حیرون یک پاکت سیگار بودم، حالا یک ماشینم شده ست. تا یک موتور رو سه‌پشته سوار می‌شیم. می‌خوای بگیر، نمی‌خوای، می‌کشیم. ما به‌رحال بازنده‌ایم. حسرت این همه ثروت به دلت می‌مونه. خانواده‌ت هم بی‌سروصاحب می‌شن. راضی شد.

توبه که کردم و پول نزول هم از بساطم رفت، خدا گفت بگیر که اومد. بهم رو کرده، همچی که نمی‌دونم چجوری جمع کنم. منی که حیرون یک پاکت سیگار بودم، حالا یک ماشینم شده ست. تا یک موتور رو سه‌پشته سوار می‌شیم. می‌خوای بگیر، نمی‌خوای، می‌کشیم. ما به‌رحال بازنده‌ایم. حسرت این همه ثروت به دلت می‌مونه. خانواده‌ت هم بی‌سروصاحب می‌شن. راضی شد.

توبه که کردم و پول نزول هم از بساطم رفت، خدا گفت بگیر که اومد. بهم رو کرده، همچی که نمی‌دونم چجوری جمع کنم. منی که حیرون یک پاکت سیگار بودم، حالا یک ماشینم شده ست. تا یک موتور رو سه‌پشته سوار می‌شیم. می‌خوای بگیر، نمی‌خوای، می‌کشیم. ما به‌رحال بازنده‌ایم. حسرت این همه ثروت به دلت می‌مونه. خانواده‌ت هم بی‌سروصاحب می‌شن. راضی شد.

توبه که کردم و پول نزول هم از بساطم رفت، خدا گفت بگیر که اومد. بهم رو کرده، همچی که نمی‌دونم چجوری جمع کنم. منی که حیرون یک پاکت سیگار بودم، حالا یک ماشینم شده ست. تا یک موتور رو سه‌پشته سوار می‌شیم. می‌خوای بگیر، نمی‌خوای، می‌کشیم. ما به‌رحال بازنده‌ایم. حسرت این همه ثروت به دلت می‌مونه. خانواده‌ت هم بی‌سروصاحب می‌شن. راضی شد.

توبه که کردم و پول نزول هم از بساطم رفت، خدا گفت بگیر که اومد. بهم رو کرده، همچی که نمی‌دونم چجوری جمع کنم. منی که حیرون یک پاکت سیگار بودم، حالا یک ماشینم شده ست. تا یک موتور رو سه‌پشته سوار می‌شیم. می‌خوای بگیر، نمی‌خوای، می‌کشیم. ما به‌رحال بازنده‌ایم. حسرت این همه ثروت به دلت می‌مونه. خانواده‌ت هم بی‌سروصاحب می‌شن. راضی شد.

توبه که کردم و پول نزول هم از بساطم رفت، خدا گفت بگیر که اومد. بهم رو کرده، همچی که نمی‌دونم چجوری جمع کنم. منی که حیرون یک پاکت سیگار بودم، حالا یک ماشینم شده ست. تا یک موتور رو سه‌پشته سوار می‌شیم. می‌خوای بگیر، نمی‌خوای، می‌کشیم. ما به‌رحال بازنده‌ایم. حسرت این همه ثروت به دلت می‌مونه. خانواده‌ت هم بی‌سروصاحب می‌شن. راضی شد.



## فوتو شهر

کار ساخت پارکینگ و پایانه آزادی مشهد در دو نوبت دوازده ساعته درحال انجام است. این پروژه سه طبقه در زمینی به مساحت ۱۲ هزار مترمربع، با زیربنایی حدود ۳۳ هزار مترمربع در حال احداث است. طبقه منفی یک پایانه اتوبوس است با قابلیت پارک هم‌زمان ۵۰ اتوبوس و طبقات بعدی قابلیت پارک حدود ۷۰۰ خودرو و همچنین ۱۰۰ موتورسیکلت و دوچرخه را دارد.

عکس: احمد حسنی | شهرآرا